

کتاب احمد وکیل

وکیل آباد

www.ketab.ir

۱۷	یادداشت
۱۹	مقدمه
۲۳	خودنوشته‌های احمد و کیلی
۲۵	تولد
۲۷	مدرسه
۳۰	فوت پدر
۳۲	انتخاب رشته
۳۳	سفرهای دانشجویی
۳۵	انقلاب فرهنگی
۳۶	سال‌های جنگ
۳۷	تغییر رشته
۳۸	دانشجوی فعال
۳۹	اهمیت در ندگی یک هنرمند
۴۳	اولین نمایشگاه
۴۵	دوران سرکاری
۴۶	استادالخاص
۴۶	آتلیه‌ی یوسف‌آباد
۵۰	نقش موسیقی در زندگی من
۵۱	دیدار با محمدحسین یگانه
۵۴	سفرها
۵۴	جایزه‌ی بونونیا و سفر به ایتالیا
۶۰	سفر عربستان
۶۶	سینه‌ی پاریس
۷۱	هم‌دلی از هم‌زبانی خوش‌تر است
۷۵	نقاش - معلم
۱۳۹	از میان نوشته‌ها و حرف‌ها
۱۴۱	طراحی روی کاغذ
۱۴۲	پیرامون نقد
۱۴۲	هنر و جامعه
۱۴۵	نگاهی به مدل زنده
۱۴۶	آیا می‌توانم نقاش باشم؟
۱۵۱	طراحی
۱۷۹	چاپ دستی
۱۸۹	نقاشی

یادداشت

تاریخ قرار از یادم رفته، اما وقتی وارد انلیای من شدند، حس خوبی داشتم؛ قیافه‌هایشان با جوان‌های امروزی متفاوت است. به نظر می‌رسید دغدغه دارند؛ چیزی که این روزها کمیاست...

وقتی فهمیدم که معلم هنرستان هستند، خیالم کمی راحت شد و اسم حامدی را که آوردند، که او هم دلسوخته‌ی فضای تجسمی ماست، بار دیگر این موضوع را ثابت کرده، راحت‌تر شدم. در ادامه وقتی راجع به فرهنگ شناسی به‌هذر رفتن بسیاری از تجربه‌های آموزشی گفتند، باز هم دلم گرم شد. آن‌ها از نسل امروز نیستند و از نسل ما هم... اما وقتی تو می‌بینی که افرادی در آن بین هستند که دلشان برای فضای تجسمی می‌تپد و با جوان‌ها سروکار دارند، راحت می‌سوی و سفره‌ی دلت را راحت‌تر باز می‌کنی. می‌دانید، فضای آموزش در مملکت ما مشکل دارد؛ همان‌طور که اقتصاد و سیاست؛ و همین شد که بنای گفت‌وگویی بلند را با ایشان گذاشتم.

وقتی به این هرج و مرج نگاه می‌کنی و نتایج را کنار هم می‌گذاری متوجه می‌شوی، که در جدی‌ترین حالت، یعنی دانشگاه، هرکس تجربیات خودش را به

شاگردانش آموزش می‌دهد و راه‌حل‌های خود را در حوزه‌ی تجسمی به آن‌ها
حقنه می‌کند و در نتیجه نقاشان آموزش‌دیده، بعد از یک سال و اندی، نیم‌دار معلم
خود یا گرت‌هی کوچکی از او می‌شوند و این فاجعه به طرزی باورنکردنی در حال
تکرار است. فقط می‌ماند کسانی که کمی باهوش‌تر هستند و در پایان چهار سال
تازه می‌فهمند که چه نباید بکنند. این حاصل جدی‌ترین فضای آموزشی ما، یعنی
دانشگاه است. حال فرض بفرمایید که در کلاس‌های خصوصی چه می‌گذرد!

سال ۳۱۵، سی و پنجمین سال تدریس من است. از سال ۱۳۶۰ تاکنون راهی
پیموده‌ام که تئاتر بسیاری را حاصل شد که خستگی را از تنم بیرون می‌برد، اما
وقتی به کل ماجرا انگار می‌کنی، من و هم‌نسلان من که دغدغه‌ی فرهنگ مملکت
و تاریخ این سرزمین را داریم، بسیار خسته از مبارزه‌ای هستیم که پایان
ندارد و گویی باید در انتظار وعده‌ی باشیم تا ما را نجات دهد.

این را گفتم تا درد دل خسته‌ام به مقوله‌ی آموزش را بیشتر بازگو کنم؛
چراکه ایمان دارم آموزش مهم‌ترین رکن در رشد و تعالی هر جامعه‌ای است. باشد
که دلسوزانی در این وادی گام بردارند.

من این کتاب را تقدیم می‌کنم به تمام کسانی که بعد از من آموزش صحیح را دارند.
در پایان از دوستان نزدیک، آقایان احسان بصری، مسیح آذرخش و
سرکار خانم عاطفه جرنده‌نی که در تهیه‌ی این کتاب به من یار بودند و
هم‌چنین خانواده‌ی خود بابت همراهی در تمام این سال‌ها تشکر می‌کنم.

احمد وکیلی

مقدمه

احمد وکیلی در جریان سه دهه آموزش طراحی فیگوراتیو آموزش و اشاعه‌ی چاپ در ایران دارای اهمیت بسیار است. اما در این کتاب به عنوان یک فرد، کسی که مثل همه‌ی ما زندگی روزمره دارد و شخصیتش دارای نقاط قوت و ضعف‌هایی است و در حیطه‌ی کاری خود فعال بوده و دستاوردهایی داشته به او پرداخته شده است.

جمع‌آوری نقطه‌نظرها، تجربیات و بخشی از خاطرات او، نه برای بزرگمایی و ساختن اسطوره‌ای از طراحی، بلکه برای ثبت آن است.

«من در حسرت‌م که رنگ‌های شاهنامه‌ی طهماسبی را چطور می‌ساختند که پس از گذشت صد سال تغییر نکرده است؛ در حالی که در موزه‌های دنیا، کارها اکثراً قهوه‌ای شده و رنگ باخته‌اند.»

این جملات را احمد وکیلی در یکی از مصاحبه‌هایمان با افسوس می‌گفت؛ و این که «ما فرهنگ نوشتاری نداریم؛ آموزه‌ها سینه‌به‌سینه نقل می‌شوند»؛

و صدافسوس از همه‌ی آن تجاربی که این چنین فراموش می‌شوند. پرسیدیم: شما تجربه‌هایتان را می‌نویسید؟ گفت: «تا حدی! اما مشغله‌ی زیاد نمی‌گذارد.» هنگام خداحافظی گفتیم: شما در مقابل کسانی چون ما معلم‌ها مسئولید. خواندن تجربه‌های معلمی شما بسیار کارگشاست؛ تا راه رفته را دوباره نرویم و در تیریس طراحی، نکته‌های ارزشمندی را که می‌دانید، با تجربه‌های شخصی مقایسه و به تناسب شرایط به کار بندیم. ما همه مسئولیت سنگینی در مقابل آن همه هستیم بر دوش می‌کشیم.

در حقیقت نسخه‌ی اصلی از چاپ این کتاب، این گفت‌وگوی کوتاه بوده است. ما دو نفر، آد‌های ناآشنایی برای وکیلی نبوده و هیچ‌گاه شاگرد او نبوده‌ایم؛ اما او برای شروع این کتاب به ما اعتماد کرد و طی دوازده جلسه مصاحبه‌ی چندساعته (از دی‌ماه ۱۳۹۱ تا اردیبهشت ۱۳۹۳) تمامی دست‌نوشته‌ها و عکس‌های خانوادگی و خاطرات را در اختیارمان گذاشت.

به یاد می‌آوریم، روزهایی که با ایشان قرار داشتیم و این قرارها اکثراً بعد از یک روز کاری برای ما و احتمالاً این روزها به سرانجام می‌شد؛ همیشه قبل از شروع جلسه، آن احساس شک و دودلی و این که آیا توانایی به‌انجام‌رساندن به نحو احسن را داریم یا خیر، وجود داشت. اما بعد از انجام مصاحبه و با دیدن جدیت و هیجان او، در راه بازگشت، احساس می‌کردیم به‌واسطه‌ی ما کار مهمی در ثبت تجربیات یک هنرمند و معلم، انجام می‌شود؛ و این، شک ما را به یقین تبدیل و انرژی لازم را برای پیاده‌کردن مصاحبه، تنظیم، تایپ، بازمررسی و تعمق روی مطالب و طرح سؤالات جدید و قرار برای جلسه‌ی بعدی ایجاد می‌کرد. همواره در فکر ما یادآوری می‌شد که چقدر در مملکت‌مان از نظر پیشینه‌ی فرهنگی، ادبیات و توانمندی هنرمندان غنی هستیم و احساس غرور و بزرگی می‌کردیم. اما از طرفی هم افسوس می‌خوردیم که به‌خاطر عدم مدیریت کارآمد، با وجود این پتانسیل قوی و شایستگی‌ها، هنوز به جایگاه خود در جهان دست نیافته‌ایم.

وکیلی در پایان مصاحبه‌ها خسته به نظر می‌رسید و کاملاً تخلیه‌ی انرژی شده بود. او بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین افراد در وادی هنرهای تجسمی معاصر است. او در تمام لحظات، عشق به معلمی و آموزش دارد. برایش اهمیت دارد آنچه می‌داند را منتقل کند و آموزش در رفتارش نیز به چشم می‌خورد.

او دارای شخصیتی چندوجهی است. به همین دلیل در این کتاب به او به‌عنوان نقاش، شاعر، اراح و چاپگر پرداخته شده است.

او در مصاحبه‌هایمان بارها و بارها از هانیبال الخاص خاطره تعریف کرده و از ویژگی‌های رفتار و شوخ‌طبعی او گفته است. ما اگرچه شاهد جریانات تجسمی دهه‌ی هفتاد بوده‌ایم و دور استاد الخاص را می‌شناختیم، اما جایگاه و اهمیت او را به‌واسطه‌ی وکیلی شناختیم. برای ما جالب بود، شاگردان وکیلی اگرچه تحت تعلیم یک نفر بوده‌اند، خود از آن دارند که او در نوع نگاهشان به زندگی و هنر مؤثر بوده است. با این حال هر کدام در شاخه‌ی متنوعی از هنر، فعالیت می‌کنند؛ از جمله: گرافیک، چاپ، هنر مدرن و حتی مایه‌ی...

بخش دیگری از این کتاب نیز به تصاویر چاپ‌نشده‌ای از آثار و عکس‌های خانوادگی ایشان اختصاص یافته، که حاصل زحمات هنرشان، آنالی وکیلی، در جمع‌آوری و عکاسی از آنهاست. هم‌چنین از همکاری مسرشان، فریبا افلاطون، در تأیید مطالب بهره برده‌ایم.

در بخش سفرها نیز آقای مسیح آذرخش، یادداشت‌پرداز از خاطرات سفرهای سیته، عربستان و بولونیا را به عهده داشته‌اند.

سی و پنج سال معلمی، نقاشی، طراحی، چاپ و کوله‌باری از تجربه را نمی‌توان در یک کتاب جمع‌آوری نمود؛ به‌خصوص آن‌که او هنوز سال‌هایی را پیش رو دارد و هم‌چنان ادامه دارد...